



A study of the principles of belief with the focus on awaiting in the poems of "Mohammad Ali Mojadi"

Marzieh Hosseini Roknabadi ¹

Dr. Reza Fahimi ²

Dr. Manijeh Fallahi ³

Abstract

The most important issues of belief in Islam are monotheism, prophecy, and resurrection. Expressing the principles of belief in verse is an effective strategy in expressing the principles of belief and a suitable light in the approach of waiting for the Savior's return. Ritual poetry is a new platform for explaining Islamic beliefs through the medium of art. Writing monotheistic poems, arising from the eternally sorrowful hearts of a guardian-oriented poet, is the fulfillment of an artistic mission. Mahdavi poetry is a simple manifestation of servitude, guardianship centered on waiting for the Savior. Mujahideen "Parvaneh" as the father of ritual poetry is a reviver of Islamic rituals in verse who transmits Shiite culture with jihadist strategies of the culture of waiting to the audience in the form of art. This research, which is organized in a library-analytical manner, illustrates the beliefs, culture of waiting, and beliefs of an artist waiting for the Imam Zaman (PBUH) to the position of legislative guardianship, who has expressed his Mahdavi views and views in simple and poetic language based on rhetoric. The present study is an answer to the question of how Mujahid proposed the waiting approach based on legislative authority?

Keywords: Principles of belief, ritual poetry, waiting culture, the Savior's return

1. Ph.D student Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran(m.h.roknabadi10@gmail.com)

2. Assistant Professor Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran(Corresponding Author)(Fahimi.reza@alumni.ut.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran(Fallahi@iau-saveh.ac.ir)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر و موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

بررسی اصول اعتقادی با محوریت انتظار در اشعار «محمد علی مجاهدی»*

مرضیه حسینی رکن آبادی^۱

رضا فهیمی^۲

منیژه فلاحتی^۳

چکیده

مباحث اعتقادی مانند توحید، نبوت و معاد، دارای جایگاه ویژه‌ای در اسلام است. انتقال موثر این مباحث همواره یکی از دغدغه‌های اصلی بزرگان دین بوده است. یکی از راهبردهای مؤثر برای بیان اصول اعتقادی استفاده از زبان هنر به خصوص در عصر حاضر است. اشعار آئینی، بستری نوین در تبیین عقاید اسلامی با رسانه هنر است. سرودن اشعار توحیدی، برخاسته از قلوب دائم‌المحزون شاعر ولایت‌مدار، انجام یک رسالت دینی در قالب هنر است. در این میان سرودن شعر مهدوی، جلوه‌ای ساده از عبودیت و ولایت‌مداری با محوریت انتظارمنجی است. مجاهدی متخلص به «پروانه» در جایگاه پدر شعر آئینی قرن معاصر، احیاگر شعائر اسلام با زبان منظوم است که فرهنگ شیعی مانند فرهنگ انتظار را در قالب هنر به مخاطب انتقال می‌دهد. این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای تنظیم شده است، تصویرگر اعتقادات، فرهنگ انتظار و باورهای یک هنرمند منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه به جایگاه ولایت تشریعی است که آراء و دیدگاه‌های مهدوی خود را با زبان ساده و شاعرانه، مبتنی بر بلاغت، بیان کرده است. پژوهش حاضر پاسخی به این پرسش است که مجاهدی، رویکرد انتظار را بر پایه ولایت تشریعی، چگونه مطرح کرده است؟

واژگان کلیدی

اصول اعتقادی، شعر آئینی، فرهنگ انتظار، فرج منجی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ایران (m.h.roknabadi10@gmail.com).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (نویسنده مسئول) (Fahimi.reza@alumni.ut.ac.ir).

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران (Fallahi@iau-saveh.ac.ir).

انتظار، حالتی روحی است که از درون انسان سرچشمه می‌گیرد و در تمام شئون زندگی فرد اثر می‌گذارد. تلاشی هدفمند که برای تغییر حالت موجود و ایجاد شرایط مناسب است. منتظر واقعی کسی است که در میان مردم باشد و با برنامه‌ای معین، برای تغییر یا بهتر شدن وضعیّت فعلی، مطابق مکتب اسلام عمل و به هموعان خود خدمت کند. اسلام دین محبت است و «آخرین سیر انسانیت را خدمت و محبت می‌داند» (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۰۳). خدمت به خلق، زمینه ایمان است. «یکی از ابعاد وجودی حضرت حجت، قیام برای اصلاح وضعیّت جوامع بشری و بسط عدل و حکمت در آن است از این رو ایشان خود در رأس هرم منتظران قرار دارند» (هادی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵۳). یکی از شیوه‌های خدمت به اسلام، سرودن شعر با زبان فصیح است. ارزش منتظران در نگاه پیامبر اسلام ﷺ چنین است که فرمودند:

آنها چراغ هدایت اند و خداوند آنها را از هر فتنه گمراه کننده ای نجات می‌دهد (هادی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۵۴).



مجاهدی شاعری است که برای نصرت دین اسلام، سال‌ها در مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) شعر سرود و شاگردان بسیاری پرورش داد. محمدعلی مجاهدی ملقب به شمس‌الدین و متخلص به «پروانه» با بررسی متون نظم پارسی و شعر آئینی، عنوان «پدر شعر آئینی» را به خود اختصاص داد (مرادی، ۱۳۹۶: ۵۵۹). او به عنوان هنرمند آئینی، در عرصه کلام منظوم، این رسالت را بر دوش گرفت. «مجاهدی بی‌هیچ تردید پرکاربردترین چهره شیعی روزگار ماست. اصطلاح «شعر آئینی» برخاسته اوست و در هر جایی، به هر نحو که برای پیشبرد شعر مذهبی از او یاری خواسته‌اند، دریغ نکرده است. ۷۷ کتاب چاپی در طول ۳۲ سال، گواهی بر این پرکاری است» (بیات، ۱۴۰۳: ۲۴). تغییراتی که در عرصه شعر آئینی ایجاد شد به همت او بود. «برای نخستین بار پس از انقلاب، دیوان عثمان سامانی را احیا و روانه عرصه شعر و ادبیات کرد و در اشعار خود کوشید تا زبان عثمان سامانی را به طور هنرمندانه برای عام‌ترقی بخشد. شعر مجاهدی آمیزه‌ای از فکر مولانا، در ساحت احساس سعدی و لحظات شاعرانه حافظ را آئینه می‌شود، شعر او آمیزه‌ای از هنر شعر فارسی است» (محمد زمانی، برقی، ۱۳۹۱: ۱۰ - ۹).

کلام روشنگرانه مجاهدی به عنصری جریان‌ساز تبدیل شد. وی در تمامی قالب‌های

کلاسیک، شعر سروده است. «برای پی بردن به ویژگی ذهنی و زبانی، باید به بررسی سبک شخصی پرداخت» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۹۳).

از جمله مفاهیم برجسته و قابل اهمیت در شعر مجاهدی، بزرگداشت شعر مهدوی و انتظار فرج است. نگاه عاشقانه و ارادت او به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخاطب را به ارزش های الهی چون امیدواری، برپایی عدالت، آرامش، وحدت و ظلم ستیزی دعوت می کند؛ او با زبانی ساده به صورت تمثیل، نماد، با استناد به آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام، با رویکرد ترویج انتظار فرج، به کار خود اعتبار می بخشد. مجاهدی به مخاطب کمک می کند تا با یک باور عمیق و بینشی آگاه، برای رفع موانع ظهور تلاش کند و منتظر فرج باشد.

پیشینه

۱. مقاله تحلیلی بر مسئله انتظار و وظایف منتظران در عصر غیبت، اثر ریحانه سادات علوی (پژوهش نامه موعود، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سال چهارم، شماره ۷، ص ۱۴۲-۱۲۱)؛ هدف نویسنده آشنایی با ابعاد انتظار، وظایف منتظران و تأثیر انتظار بر انسان است. به عقیده نویسنده انتظار فرج، موجب تلاش انسان در امر خودسازی، تقویت روحیه و ایجاد انگیزه می گردد که از طریق ارتباط بیشتر با علماء و برپایی مراسم خاص دعا و ذکر این آمادگی معنوی تقویت می شود.

۲. بررسی مفهوم انتظار و وظایف منتظران در شعر شاعران انقلاب اسلامی به قلم شکوفه دارابی (پژوهش های مهدوی، بهار ۱۴۰۰، شماره ۳۶، علمی ترویجی، حوزه علمیه، ص ۲۹-۷) نویسنده اذعان دارد مقوله انتظار موعود در اشعار شاعران انقلاب اسلامی، جایگاه خاصی دارد و شاعر شیعی می تواند با استفاده از خلاقیت ادبی خود به عنوان نماینده مکتب موعودگرایانه، انتظار فرج را نعمتی برای همه جهانیان معرفی کند و بر افکار یک ملت اثرگذار باشد.

۳. کارکردهای اخلاقی و اجتماعی جامعه منتظر از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای، زینب عزیزی (موعودپژوهی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳، ص ۷۴-۶۷) نویسنده عقیده دارد رویکرد این اندیشه، زمینه سازی برای جامعه عبودیت محور به رهبری انسان معصوم است که مدیریت آینده جهان هستی و برپایی حکومت عدل جهانی به دست اوست.

۴. قرآن و سبک زندگی مهدوی، اصغر طهماسبی بلداجی، فاطمه مرادی (بینات، تابستان و پائیز ۱۳۹۳، شماره ۸۲ و ۸۳، ص ۱۵۶-۱۳۷) زندگی مهدوی، حوزه‌های فردی و اجتماعی منتظران را تحت الشعاع قرار می‌دهد و باید و نباید آن، برگرفته از فرامین الهی و باورهای اعتقادی یعنی اصل امامت و ولایت است تا به صفات کمال آراسته گردد. در این مقاله سعی شده است در مورد رویکرد اعتقادی مجاهدی با محوریت ولایت تشریعی، مباحثی با زبان ساده، بر پایه بلاغت، مطرح شود.

جلوه‌های اعتقادی شاعر منتظر

۱. جلوه توحید در شعر انتظار

زمان، زمان وّلی خدای لم یزلی است
که دولتش ابدی و ولایتش ازلی است
به ما سواست امیر و به هر دو کون ولی است
که آخرین خلف صالح، محمد است و علی است

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۵۲۵)

ولایت همه امور عالم به عهده حق تعالی است، خداوندی که اول است بدون آن که پیش از او اولی بوده و آخر است بی آن که پس از او آخری باشد. مصرع اول شاعر برگرفته از دعای اول صحیفه سجادیه است و اشاره به توحید ذاتی و یکتایی خداوند دارد، حق تعالی وجودی ازلی و ابدی دارد و با صفات یگانه‌ای چون محبت، لطف، قدرت، علم و... به اراده خود، موجودات را بر حسب مصلحت می‌آفریند و از عالم ذر به دنیا، برزخ و قیامت روانه می‌کند و برای هر جاندار، روزی معلوم و قسمت شده‌ای قرار می‌دهد، عمری معین می‌کند و در نهایت جان او را می‌گیرد و در قیامت به اعمال او رسیدگی می‌کند. خداوند از در رحمانیت با میثاقی که در عالم ذر با انسان می‌بندد، نعمت عقل یا رسول درونی را به او عطا می‌کند و سپس انسان را به عنوان خلیفه خود در کره زمین قرار می‌دهد تا با هدایت رسول درونی و بیرونی به توحیدی عملی برسد، فقط فرمان خداوند را اطاعت کند و به مقام قرب الهی و کمال انسانیت که هدف آفرینش است، برسد.

پیامبر ﷺ فرمود:

امامان پس از من، دوازده تن هستند، نخستین ایشان تویی ای علی، آخرین ایشان

قائم است که خدای تعالی به دست او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح می‌کند (کورانی، ۱۳۹۶: ج ۱، ۲۰۲).

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

حِجَّتِ خدا پیش از خلق است و همراه خلق است و پس از خلق است (ابن بابویه، ۱۳۹۴ق: ج ۱، ۷).

مجاهدی در این ابیات، اشاره به رابطه میثاق توحید و مقام ولایت دارد که هر دو در طول هم و چون حلقه‌های زنجیر متصل هستند. در بیت اول به توحید و یکتاپرستی اشاره می‌کند و در بیت دوم پیشگامی پذیرش میثاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام با خداوند، بیان شده است، «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْتَفْهِتُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، كَفَّارُ گفتمند خداوند فرزند گرفته است! منزّه است او، بلکه آنان بندگان گرامی هستند» (انبیاء: ۲۶-۲۷). در عالم میثاق، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در پذیرش فرمان خدا، پیش قدم شدند و هیچ‌گاه از فرمان خدا پیشی نگرفتند و این اطاعت و سر تسلیم فرود آوردن در محضر خدا، رمز کرامت آن بزرگواران شد. به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه بزرگوار به عنوان بهترین الگوی خداشناسی و رسیدن به کمالات انسانی به بشر معرفی شدند.

امام صادق علیه السلام به زراره، دعایی تعلیم فرمودند تا در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند:

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من نشناسانی فرستاده‌ات را به من نشناخته‌ام، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی حجتت را نشناخته‌ام، خدایا حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم (مجلسی، ۱۳۵۰: ج ۱۳، ۹۲۳).

شاعر آئینی با تمسک به روایت امام صادق علیه السلام، مسیر زندگی خود را تنظیم می‌کند و می‌داند ولایت مداری یکی از ارکان دین اسلام است و این دستورات، زمانی جامه عمل می‌پوشد که انسان مطابق آن عمل نماید. شرط پذیرش اعمال انسان و رشد او، ولایت مداری و اجرای فرامین الهی در زندگی است. یکی از شروط رسیدن به کمالات، آراسته شدن به صفات خداوند، پذیرش تقدیرات الهی و رسیدن به مقام رضا و تسلیم

است.

مجاهدی در اشعارش، اعتقاد قلبی و باور دینی خود را نسبت به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان واسطه فیض الهی و دلیل خلقت، منعکس می‌کند و عقیده دارد اهل بیت علیهم السلام شعاعی از آفتاب حضرت رحمان هستند و هر انسانی برای عبور از مرحله تکوین و آراسته شدن به کمالات انسانی، نیازمند هدایت تشریعی است تا صفات الهی را بشناسد و فطرت خود را با اسماء الهی بیاراید. اهل بیت علیهم السلام به عنوان جلوه‌ای از صفات الهی، کامل‌ترین الگو و بهترین مربی برای هدایت بشر و رساندن او به مقام انسانیت هستند. اولین جلوه پروردگار، علی علیه السلام و آخرین نور مقدس و جلوه رحمانی، حضرت بقیه الله، هم نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

آگاه باشید مهدی علیه السلام ولی خدا در زمین و حکم خدا در مخلوقات و امین خداوند در آشکار و نهان است (نوری، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

مجاهدی با ایمان به خدا، با کسب فیض از حضرات معصومین علیهم السلام، به این رزق رسیده است، به حتم شاعر تا مراتب معرفت و عبودیت را طی نکند به مرحله عنایت و توجه اهل بیت علیهم السلام نمی‌رسد.

شهی که شهره شهر است نام آوری اش مهی که زهره و ناهید هست مشتری اش
مطیع حکم مطاع است دیو تا پری اش شده است قسمت خورشید دژه پروری اش

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۵۲۶)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام به عنوان انسان‌های کامل و الگوهای اخلاقی انسان، جایگاه ویژه‌ای دارند. شاعر با نماد، جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام را به مخاطب معرفی می‌کند. سیاره مشتری در علم نجوم، به عنوان بزرگ‌ترین سیاره منظومه شمسی، نماد قدرت، عظمت و اشاره به اولین انسان کامل، پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، زهره دومین سیاره نزدیک به خورشید، نماد زیبایی و جذابیت و اشاره شاعر به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، ناهید به جهت درخشندگی نماد عشق و زیبایی و اشاره شاعر به حضرت زهرا علیها السلام است. از امام عسکری علیه السلام نقل شده است:

رخسار فاطمه زهرا علیها السلام برای امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز روز، بسان خورشید تابان درخشش می‌یافت و ظهرگاهان، همچون ماه تابان و شامگاهان، مانند ستاره فروزان

تابناک بود (رحمانی همدانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

دلیل اطاعت همه خلایق از بزرگان دین، عشق و محبت بین آنها و کمالات و زیبایی های معنوی آنهاست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همه چیزها حتی آسمان ها، زمین، خورشید ماه، ستارگان، کوه ها، درختان، جنبنندگان، دریاها، بهشت و دوزخ از ما اطاعت می کنند (یزدی حایری، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۴۰). یکی از اصول مهم اعتقادی شیعه، هدایت تکوینی و اطاعت موجودات از خدا و اهل بیت علیهم السلام است، به عنوان مثال پرندگان ابابیل در سوره فیل:

«الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل، الم یجعل کیدهم فی تضلیل، و ارسل علیهم طیرا ابابیل، ترمیمهم بحجاره من سجیل، فجعلهم کعصف مأكول»؛
آیا ندانسته ای پروردگارت با فیل سواران چه کرد؟ آیا نیزنگ های شان را تباه نکرد؟! و بر ضد آنها گروه گروه پرندگان فرستاد که بر آنها سنگ هایی از نوع سنگ گل می افکندند، سرانجام همه آنها را چون کاه جویده شده قرار داد (فیل: ۵-۱).

سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله با اسب براق، وجود تار عنکبوت در دهانه غار حرا برای حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، در تاریخ معصومین علیهم السلام معجزات بسیاری از خداوند نقل شده است. و از کلام نورانی قرآن به سوره جن اشاره می شود:

سلطنت عشق به نام وی است

خضر نبی، پیر غلام وی است

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۳۰)

این بیت اشاره به امامت آخرین منجی بشریت، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه دارد که در غیبت کبری، حضرت خضر علیه السلام مونس و همراه ایشان هستند و از غربت حضرت می کاهند، در زمان ظهور نیز حضرت را در هدایت بشر و اصلاح جامعه همراهی می کنند. در قرآن کریم این همراهی برای حضرت موسی علیه السلام نیز ذکر شده است. «پس بنده ای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خود رحمتی داده و از پیشگاه خود دانشی ویژه به او آموخته بودیم» (کهف: ۶۵) و در احادیث امام رضا علیه السلام فرمودند:

حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشید، او تا زمانی که در صور دمیده شود زنده است، خداوند به وسیله او تنهایی قائم ما را در زمان غیبتش، به انس مبدل می سازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۲۹۹).

حضرت خضر عليه السلام به عنوان یک شخصیت و راهنمای معنوی در تاریخ متمدن ادیان الهی نقش داشته است.

۲. جلوه ولایت تکوینی و تشریعی در شعر انتظار

بام و دراز بوی خدا پُر شده است بوی خدا در همه جا پُر شده است
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۳۰)

شرط هدایت بشر، پیروی از دستورات الهی است. شاعر اشاره به موجوداتی غیر از انسان می‌کند که زیر چتر الهی از آن مقام مقدس، فرمان می‌برند و در ادامه سخن اشاره به هدایت انسان می‌کند که هر انسانی بعد از هدایت عامه، به طور طبیعی کمال‌گراست و تلاش می‌کند تا خود را به فلسفه خلقت که رسیدن به صفات خداوند و مقام انسانیت است، نزدیک کند. بهترین هادی بشر برای رسیدن به کمالات انسانی اولیای الهی هستند، شاعر از نبودن حضرت، ندبه می‌کند و می‌گوید:

گمان مبر که همین جان سپرده‌ام بی‌تو
قسم به جان عزیزت که مرده‌ام بی‌تو
اگرچه دست خیالم به دامن‌ت نرسد

خوشم که دل به خیالت سپرده‌ام بی‌تو

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۰)

و در ارتباطی که با حضرت برقرار می‌کند در خیال خود پاسخ ندبه را از حضرت می‌گیرد که می‌فرماید:

چون دل تو، ره به خدا داشته است ره به حریم دل ما داشته است
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۸۰۵)

شاعر آئینی می‌داند تنها راه رشد و متّصف شدن به صفات الهی و رسیدن به جایگاه انسانیت، تمسک به اهل بیت علیهم السلام است که اگر عنایتی از بزرگان الهی برای شخصی دلخسته و عاشق صورت گیرد، به اذن و قوه الهی انجام می‌شود.

۳. تجلی آیات و روایات در شعر منتظر

لن ترانی شنوی گران‌ی گویی باز پرده افکندم از این راز که بینا کمنت
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۲۱)

تکرار کلمات همجنس: ترانی، ارنی

تکرار حرف (ر) در کلمات: لن ترانی، ارنی، پرده، راز

کاربرد واژگان عربی (لن ترانی، ارنی)

از ویژگی‌های ادب آئینی، تأکید بر کلام با تکرار است، کاربرد واژگان عربی با ریشه‌روایی، آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به منظور استفاده از روش اقتباس است، رباعیات مجاهدی منظومه‌ای از حکمت‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌باشد.

بیت فوق اشاره به سخن موسی علیه‌السلام در میقات دارد که از خدا خواست خودش را به او نشان دهد، خداوند فرمود: هرگز مرا نخواهی دید آیه *«قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ، قَالَ لَنْ تَرَانِي»* (اعراف: ۱۴۳)؛ همچنین اشاره به فرازی از دعای ندبه است *«مَتَى تَرَانِي وَ تَرَاكَ، چَه زمانی ما تو را می‌بینیم و تو ما را؟»*. مجاهدی با اشاره به این عبارت از دعای ندبه نشان می‌دهد شاعری پویا و منتظر حضرت و پذیرای حق و حقیقت است و برای رسیدن به کمالات انسانی و قرب پروردگار، باید دست به دامن اهل بیت علیهم‌السلام باشد تا پله‌های ترقی را بپیماید. اگر شاعر برای مدحی زبانش گشوده می‌شود، به حتم باید بداند که با کسب فیض از عالم بالا، نطق او گویا شده و کنارخوان سفره اهل بیت علیهم‌السلام تلمذ نموده است که این عنایت و توجه را باید غنیمت شمرد.

مرا به بزم خراباتیان که می‌نوشتند می‌طهور به ذکر هو الغفور بپر

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۲۴)

مصرع دوم اشاره به «شراباً طهوراً» در سوره انسان، آیه ۲۱ دارد. شاعر شیعی، کمال‌گراست و برای رشد و شکوفایی خود و جامعه، برنامه‌ریزی دارد، تلاش می‌کند تا از طریق خودسازی و هدایت تشریعی، خود را متصف به صفات الهی کند. مجاهدی آگاه است که تا جهاد نفسی صورت نگیرد، فیضی شامل حال شاعر ولایی نخواهد شد، باور رحمانیت و غفارت خدا، امیدواری به بخشش کریمانه حضرت باری تعالی است.

ز روز ازل مست جام تو بودم کنون نیز سرخوش ز جام الستم

(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۵۹)

این بیت، به آیه *«الست برّکم»*، آیا من پروردگار شما نیستم؟ (اعراف: ۱۷۲) اشاره دارد. خداوند در عالم ذر، از انسان تعهد گرفت و گفت: آیا من پروردگار شما نیستم؟ پاسخ همه مثبت بود و همه گفتند: ما گواهی می‌دهیم که تو خدا و آفریننده ما هستی، خداوند

فرمود: مبادا در روز قیامت بگوئید ما از این گواهی بی خبر بودیم. مجاهدی با واژگان عرفانی، لذت ارتباط عاطفی خود با پروردگار را ترسیم و ولایت مداری خود را اعلام می‌کند.

توای سلاله خورشید ذره پرور باش مباد آن‌که چو زلفت به پیچ و تاب شوم
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۵۹)

شاعر به بخشی از دعای ندبه اشاره می‌کند، «یا بن الشمس الطالعه، سلام بر توای فرزند خورشید ای آشکار شده تابان» شاعر آئینی با چنگ زدن به دامن اهل بیت (علیهم‌السلام) و بی‌قراری‌های شبانه و در عهدهایی که با حضرت می‌بندد، با سلام‌هایی که در دعای آل یس به حضرت می‌دهد به دنبال پاسخ حضرت و عنایت خاص اوست تا درجات خود را ارتقا می‌دهد، زبان تواضع شاعر منتظر در واژه (ذره پرور) و بی‌قراری‌های او در کلمه (پیچ و تاب زلف) کاملاً مشهود است.

امام منتظر و حجت زمان مهدی امام عصر ولی جهانیان مهدی
(مجاهدی، ۱۳۸۳: ۲۱۹)

اشاره شاعر به «السلام علیک ایها الامام منتظر و الحق المشتهر، سلام خدا و برکات و احترامات ویژه و درودهای خداوند بر مولایم امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) صاحب تمام روزگاران و عصرها» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۹، ۸۴) مجاهدی با کاربرد عبارات نورانی امام منتظر، حجت زمان، مهدی، امام عصر، ولی جهان، اظهار عشق و ارادت خود را به محضر ولی الله نشان می‌دهد و در کلامی منظوم به مخاطب انتقال می‌دهد.

۴. جلوه معاد در شعر انتظار

چو شمع رشته باریک عمر می‌سوزد چرا مجال به «پروانه» تا سحر ندهند؟
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۹۸)

به موج خیز حوادث که دامگاه بلاست شکسته کشتی ما رفت و برکناره رسید
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

ما و مجنون از حساب روز محشر فارغیم نامه ننوخته را، آن‌جا نمی‌خواند کسی
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱)

ابیات فوق تفکر عمیق شاعر در باره کوتاهی فرصت عمر در دنیا و رفتن به سرای دیگر است، زندگی در عالم پس از دنیا به دو بخش: بهشت، جایی ماندگار برای بندگان

نیکوکار و جهنم، مکانی برای افراد گناهکار و کافر است که بر حسب عمل های خود به بلاها و عذاب های شدید دچار می شوند. اعتقاد به قیامت و ترس از حسابرسی در آن عالم به عنوان یکی از اصول اعتقادی، زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می دهد. یاد مرگ عنصر بازدارنده مهمی در کنترل نفس است که می تواند تأثیر عمیقی بر رویکردهای انسان در زندگی دنیا، تصمیم های او، دوری از گناه و ترس از آتش جهنم داشته باشد. حسابرسی اعمال، عنصر بازدارنده انسان از خطا و دوری از وسوسه شیاطین است و انسان می تواند اعمال خود را با انگیزه رسیدن به عقوبت ماندگار، با شناخت و بینشی درست، در زندگی، با دستورات الهی تنظیم کند. اعتقاد به عالم قیامت به عنوان یک اصل دینی، نقش مهمی در اخلاق و رویکردهای انسان در زندگی دنیوی دارد و تلاش می کند با رعایت حق و عدالت زندگی روشنی داشته باشد و به تکلیف بندگی بهتر عمل کند. دو بیت اول اشاره به کوتاهی عمر و حادثه قیامت و سرعت انتقال انسان از جایگاه دنیا به برزخ و قیامت است. مجاهدی سرعت عمر دنیا را به سوختن رشته باریک شمع تشبیه می کند و حوادث دنیا را دامگاهی برای آزمون انسان می داند؛ وقتی پایان عمر انسان در دنیا فرامی رسد، روح از کالبد بدن خاکی جدا می شود و به برزخ منتقل می شود، مجاهدی خود را با لفظ (کشتی شکسته) تعبیر کرده است.

۵. جلوه عدالت خواهی و ظلم ستیزی در شعر انتظار

قاف تا قاف جهان پر شد ز ظلم، ای حجت حق تکیه زن بر مسند عدل الهی، داوری کن
(مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

تیغ برکش از نیام و قصد جان دشمنان کن پای بر زن بر رکاب و حمله های حیدری کن
(مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

عدل و مساوات، پرهیز از ظلم و جلوگیری از رفتارهای تبعیض آمیز، گوشه ای از دستاوردهای دولت کریمه امام مهدی علیه السلام است (ثقفی، ۱۳۹۳: ۳۶). وظیفه یک هنرمند ولایی، رهبری قلوب است تا با ابزار اثرگذار خود در خدمت جامعه باشد و در رفع موانع ظهور جهاد کند.

ظلم ستیزی در ادبیات به عنوان یک ژانر ادبی به تبیین مفاهیم عمیق اجتماعی و سیاسی می پردازد. مجاهدی در بیت فوق گله از مشکلات می کند و ظهور و فرج را طلب می کند. او در گفتگو با حضرت، بر ضرورت برقراری عدالت تأکید می کند و این نکته را

دلیل مهم انتظار خود در رفع ظلم می داند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ما حجت های بالغه خدا برای هر که زیر آسمان و روی زمین است، هستیم (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۷۴).

بیان شاعر منتظر در کلام منظوم، نه فقط ایجاد بستری مناسب برای تبیین است بلکه او با یادآوری ظهور مصلح، مخاطب را به تلاش و حرکت، خودسازی و دوری از ظلم و ستم نیز ترغیب می کند.

فرهنگ سازی انتظار منجی

۱. جلوه انتظار در احساس مسئولیت شاعر

گفتند: گوهر فروشید اما خرف هم نبودید ای کاش از روز اول تحریم تان کرده بودیم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۰۹)

افسوس دل های سنگی! از غم نصیبی نبردید با آن که مفهوم غم را تعلیم تان کرده بودیم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

به نقل از اساتید اخلاق از جمله محمد شجاعی، بی توجهی به فرمان عقل به عنوان پیامبر درونی و فرمان خدا و اولیای الهی، باعث انحراف و غلبه هوای نفس و مخالفت با هدایت می شود. هدایت اگر صورت نگیرد رذایل اخلاقی در فرد بروز می کند و بر اثر تکرار، نهادینه می شود. اگر رذایل اخلاقی در فرد ماندگار گردد، زندگی اجتماعی و معنوی او را تحت الشعاع قرار می دهد و وسوسه های شیاطین شدت یافته، بر قلب و روح او اثر می گذارد. شاعر منتظر توصیه می کند انسان برای بهبود رفتار خود لازم است به فضایل اخلاقی روی آورد و خود را اسیر هوس های دنیا نکند.

امروز اگر مثل دیروز، بد راه و کجرو نبودید در طول این راه پر پیچ، تنظیم تان کرده بودیم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۰)

این بیت مصداق افرادی است که در سوره نحل خداوند به آنان اشاره فرموده است:

هرچند بر هدایت شان حریص باشی، هدایت نمی یابند، زیرا خدا کسانی را که به

سبب تکبر و عنادشان گمراه می کند، هدایت نخواهد کرد و برای آنان هیچ یآوری

که از گمراهی نجات شان دهد وجود ندارد (نحل: ۱۶).

هدایت عامه کار خداوند علیم است و پذیرش آن توسط انسان صورت می گیرد و هو

اعلم بالمهتدین، او به رهیافتگان دانا تر است» (قصص: ۵۶). این افراد بر حسب اختیار، رویکردی ضد دین دارند و پیمودن مسیر لذت زود گذر دنیا، نهایت آرزوی آنهاست. بی نهایت طلبی آنها ماندن در مرحله گیاهی و غرق شدن در لذت های دنیایی است. جای بندگی خدا، بندگی شیطان را پذیرفتند و خود را نیازمند هدایت نمی بینند. می توان آیا درین دنیای کور و کرپرست

زندگانی کرد بایک مشیت زور و زرپرست

نیست آیا داستان تیغه این سینه ها

قصه آئینه های تار و خاکسترپرست؟

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

مجاهدی با تمثیل (گوساله سامری) و کاربرد تیپ ها و نمادهای ضد دین (نمرودیان، قبطیان، گوساله پرست، مشرب یزیدی، آئینه تار، خاکسترپرست، بتگر) مخاطب را با عبرت های تاریخ، پند می دهد تا اسیر هوس های دنیایی و وسوسه شیاطین نشوند و از شبهه هایی که منافقین در دین و اصول عقاید ایجاد می کنند دوری نماید. چشم تا برهم زنی، قربانی گوساله اند

قبطیان سامری خوی زر و زیورپرست

بازبانی جز تبر دیگر سخن گفتن خطاست

باشما نمرودیان بتگر و آزرپرست

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۱۶)

همیشه سامریان! از چه رو برآشفتید؟!

رسول معجزه مات است از جسارتان

همیشه مشربتان، مشرب یزیدی بود

دل حسینی مان سوخت از شرارتان

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۱۰)

مجاهدی این روشنگری را وظیفه خود می داند و در بیت زیر به آن اشاره می کند:
باغبان باید چراغ لاله ها تا می شکفت دور را از دست باد هرزه گردی می گرفت

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۴۱)

مجاهدی با مشاهده تحولات و فراگیر شدن ضد ارزش‌ها، برحسب رسالت هنری خود احساس مسئولیت می‌کند و بر نیاز بشر به منجی تأکید می‌کند و برای نجات و سعادت بشر از خدا کمک می‌خواهد.

موج بحر کفر، پهلوی می‌زند بر ساحل دین نوح شو، طوفان به پا کن، ملک دین را لنگری کن (مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۰۵)

پیامبر ﷺ فرمود:

مثل اهل بیت من در میان شما، مانند کشتی نوح است هر که بر آن نشیند نجات یابد و آن که تخلف کند در آتش افکنده می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷).

مجاهدی با کاربرد تمثیل و کاربرد فعل امر، با مفهوم التماس، در جایگاه ردیف، از حضرت، تمنای ظهور می‌کند. در مصرع اول شناخت شاعر و غصه‌های او از اوضاع جامعه و غربت دین اسلام مطرح می‌شود و در مصرع دوم، با سه جمله امری، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه را دعوت به ظهور می‌کند.

ستاره باز به دامن شب دوید، بیا سرشک شوق ز چشمان شب چکید، بیا (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۷)

بیا که قافله شب از این دیار گذشت سپیده سرزد و مهر از افق دمید، بیا (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۸)

کنون که دامنم از اشک شوق لبریزست بیا که من ز وصال تو کامیاب شوم

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۴)

شاعر با کاربرد ردیف امری، واژگان غنایی سرشار از غم (شب) (سرشک)، واژگانی که تداعی تکاپو و عجله امت را به ولی الله برساند (دوید، سرشک چکید) فریاد انتظار سر می‌دهد و با این شیوه تبیین، ضرورت نیاز بشر به منجی را به مخاطب نشان می‌دهد و از حضرت می‌خواهد با ظهور خود او را (کامیاب) کند.

به شام تیره هجر و به صبح روشن وصل درین دو لحظه پر التهاب با من باش (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۳)

صلای هاتف غیبی ز عرش می‌آید که شد دعای فرج مستجاب، با من باش (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۴)

یکی از شرایط روحی انسان منتظر حضرت، دعای مداوم برای تعجیل در فرج و درخواست کمک و هدایت از امام برای نجات از التهاب‌های درونی است. شاعر ولایی مطابق رسالتی که در امر ارشاد مردم دارد، برای ترویج انتظار فرج، از محضر حضرت، درخواست کمک می‌کند تا در غیبت و جلوت، حضرت عنایت خاصی به او داشته باشند.

۲. جلوه انتظار در تمدن سازی

به جستجوی تو دل با کمند نور خوش ست بین که ذره ی ما در کمین خورشید است
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۵۹)

اگر درمان درد خویش می خواهی، بیا این جا دوا این جا، شفا این جا، طبیب درها این جا
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۱۵)

درد و رنج به طور فطری برای همه انسان‌ها ناخوشایند است. برای رهایی از درد و رنج‌های ناشی از گناه و برای دور ماندن از گناه، اتصال به وحی مهم ترین اقدام انسان است. برای رفع این نیاز، انسان می‌داند اگر دست نیاز به سوی حق بلند کند و با چنگ زدن به دامن اولیای الهی، درد و رنج‌های خود را به درگاه خدا شکوه کند و مطابق دعای «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک» از خدا بخواهد، به حتم گشایشی صورت می‌گیرد و شخص می‌تواند قدم اثرگذاری برای رفع موانع ظهور بردارد. او با تبیین ضرورت شناخت مقام عظمای ولایت، احساس امید به فرج و عشق به حجة الله را در مخاطبان خود زنده می‌کند. به عقیده مجاهدی رفع مشکلات منتظران حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل یک تمدن نوین اسلامی در سراسر جهان است و لازمه اش، تکاپو و حرکت به سوی جهاد نفسانی، آراسته شدن به صفات الهی، وحدت میان مسلمانان و توسل به واسطه‌های فیض الهی امامان معصوم علیهم السلام است و از مخاطب می‌خواهد در مشاهد شریف حضور یابد.

یکی از جلوه‌های تمدن سازی انتظار، برپایی موکب‌های ایام اربعین در مسیر کربلا و جمکران است.

زمانه در تب شب این قدر نمی‌سوزد به آفتاب اگر فرصت ظهور دهد
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۴)

برای عبور از غیبت کبری و رسیدن به جامعه مهدوی، رهبر انقلاب مؤلفه‌هایی

تعریف نمودند: «برقراری قسط، عزّت، برادری، معنویت و علم» این نقشهٔ کلی رهبر در بیانیهٔ گام دوم انقلاب است، و این مشخص می‌کند شهر قم جایگاه بلندی برای اسلام، مؤمنین، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی برای ایجاد یک تمدن بزرگ است، جمعیت بیست و پنج میلیون در شب نیمهٔ شعبان یک اتفاق تمدنی است.

۳. جلوه انتظار در التجاء و استغاثه

گاه گاهی به نگاهی دریاب دل ما را دریاب جان به لب آمده از درد، خدا را دریاب
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۷)

مجاهدی به عنوان یک شاعر ولایی با استفاده از استغاثه و فریاد جانسوز به درگاه خدا، عواطف عمیق انسانی و مهر درونی خود نسبت به خالق را نشان می‌دهد و از خدا، پدر معنوی خود را طلب می‌کند، این کار شاعر با فریاد و صدای بلند صورت می‌گیرد و احساسات پاک و عمیق او را به مخاطب نشان می‌دهد. در واقع یکی از رویکردهای اثرگذار و عملیاتی کردن رشد در مخاطب، سلاح بکاء و گریه بر اعمال نادرست است.

جلوه‌های هنر شاعر منتظر

۱. عشق و دلدادگی

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش
خورشید را برآی ظهـر آفریده‌اند
از پرتو جمال تو در کوه و برّ و بحر
سینای عشق و نحلّه طور آفریده‌اند
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

مجاهدی خورشید را مجاز از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند و خود را به ذرهٔ ناچیز تشبیه می‌کند و در بیت دوم حضرت را به ماه تشبیه نموده و خود را عاشق و دلباختهٔ حضرت معرفی می‌کند و از محبوب خود می‌خواهد، عنایت خود را شامل حالش سازد. بیان مجاهدی در اشعارش عینی و ملموس و به شیوهٔ گفتاری است او کلامش را براساس مشهودات و مفاهیم مادی استوار می‌کند و با کمک زبان موسیقایی بر عواطف مخاطب اثر می‌گذارد و اساس کار او بر تشبیه و استعاره است «مجاهدی از برترین

سرایندگان تاریخ شعر آئینی است» (بیات، ۱۴۰۳: ۳۸).

شیوه کار او در محتوا، کاربرد دو لحن عاشقانه و حماسی در مدح مقام اهل بیت علیهم السلام است. پرداختن به این مضامین، شاعر را ملزم به پژوهش در سیره اهل بیت علیهم السلام می نماید. مجاهدی از مشاهدات خود به خلق تصاویر نو می پردازد «زبان ادبی، تصویری است که به جای گفتن به نمایش و نقاشی می پردازد» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

زبان مجاهدی «سهل ممتنع» است، او با ارائه یکی دو تصویر، خواننده را به فضای شعر وارد می کند و موجب حیرت و شگفتی در مخاطب می شود (محمد زمانی، برقی، ۱۳۹۱: ۱۰). هنر مجاهدی در مضمون های دلکش خلاصه نمی شود، بلکه او می کوشد تا در آوردن قافیه و ردیف نیز، نو آورانه شعر بسراید. ردیف های اسمی او در شعر عاشورایی «خیمه ها، نیزه ها، تنور» (محمد زمانی، برقی: ۱۵ - ۱۴) است و در ابیات فوق، با کاربرد قافیه (ظهور، طور) و ردیف فعلی (آفریده اند) به شیوه اقتباس از قرآن، کلام خود را اثرگذار کند.

اشعار مجاهدی برگرفته از وقایع تاریخی است که با واژه های نشانه دار (طور، سینا) به مخاطب نشان می دهد که قرار است به شیوه تمثیل روشننگری کند. در این بیت مجاهدی به درختی اشاره می کند که حضرت موسی علیه السلام در وادی ایمن، حوالی کوه طور، تجلی انوار حق تعالی را مشاهده کرد. این داستان، نماد ارتباط نزدیک انسان با خداوند و دریافت وحی الهی است که اصول و قواعد زندگی انسانی را تعیین می کند.

عیسی وظیفه خوار لب روح بخش توست کز یک دم تو، نفخه صور آفریده اند
(مجاهدی، ۱۳۷۱: ۲۵۰)

داستان نفخ صور عیسی علیه السلام به عنوان یکی از نشانه های قدرت الهی و معجزات آن حضرت مطرح شده است و بیان می کند که انسان در فرصت عمر همیشه باید برای دو فرمان آماده باشد، فرمان اول خدا برای رفتن به عالم مرگ و دمیدن شیپور، دوم قیام برای حسابرسی در قیامت است. تعبیر نفخ صور، تمثیلی برای آمادگی مردم برای ظهور منجی است.

بیا و هستی «پروانه» را مسوز ای گل که پیش از آن که بسوزیم مرده ام بی تو
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۲)

چشم به راهی شاعر، احساس دلشکستگی او برای وصال، تلاش و فداکاری او برای

ملاقات با محبوب، سوختن در عشق، التجا و التماس به درگاه حق، بیانگر شوق دیدار مجاهدی با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۲. شعر انتظار در آئینه توصیف

ز کعبه نغمه توحیدی تو می آمد حرم ز عطر تو ای بی نشان پرمی شد
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۳۰۰)

به نظر شاعر، انتظار نوعی نگرانی از نبودن شخص محبوب است، چشم به راه بودنی که توأم با امید، شکیبایی و توسل است و سبب تقویت ایمان و صبر بر سختی می شود و در ادبیات عارفانه، این تمرین صبر به خوبی توصیف می شود:

ما با رصد ستاره ها فهمیدیم

کز دامن چشم، کهکشانی تر نیست
پائیزترین فصل را سنجیدیم
از فصل جدایت خزانی تر نیست
از سنگ بنای عشق در عالم خاک

دیرینه تر و باستان تر نیست

(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۷۶)

ابیات فوق به مفهوم عمیق و فلسفی شاعر و جستجوی حقیقت اشاره دارد و شاعر با کاربرد (ستاره نماد امید)، (چشم نماد درک و بینش)، (کهکشان نماد درون) نشان امیدوار خود را نسبت به ظهور برای مخاطب القا می کند و می گوید انسان دو گونه زیبایی دارد، زیبایی درون و زیبایی بیرون، وسعت و نورانیت دلی که سرشار از عشق مهدی عجل الله تعالی باشد، زیبایی آن از آسمان و کهکشان های بیرون نیز، بیشتر است.

۳. جلوه انتظار در لحن اعتراضی

پروا نمی کنید، که پر، و نمی کنید حتی به قدر بال مگس، جبرئیل تان؟
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۰)

لحن اعتراضی مجاهدی از واژگان او مشخص می شود (حتی: برای توصیف، وسعت معنا و تأکید)، نمادگرایی و تشبیه (بال مگس)، (جبرئیل تان)، (فسیل تان)، جاندارانگاری (خط کشیدن تاریخ).

تکرار واژه با دو معنی متفاوت برای جذب مخاطب (پروا: میل و رغبت) (پر، واکردن: کنایه از رشد و تعالی)

تاریخ به دور شما خط کشیده است حتی به موزه راه ندارد فسیل تان
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۶۰)

بالا ترین و برجسته ترین جمله اعتراضی در بیت فوق مشخص شده است که مجاهدی علاوه بر لحن اعتراضی، از کنایه (دور تو را خط کشیدم) استفاده می کند و این عبارت بار معنایی منفی برجسته ای دارد. شاعر این افراد را در گروه خاص و استثنایی قرار می دهد و بیان می کند که امیدی به هدایت آنها نیست.

۴. تابش نور امید در شعر انتظار

همیشه منتظر او دل، این بلاکش عشق امید خویش به مهدی منتظر بسته است
(مجاهدی، ۱۳۶۹: ۱۵۲)

«محمد بن فضیل گوید از امام رضا (ع) از فرج پرسش کردم، گفت: خدای تعالی می فرماید: منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم» (ابن بابویه، ۱۳۹۴ ق: ج ۲، ۵۴۷).
امام صادق (ع) فرمودند پدرم می گفت:

همانا نیست بنده مؤمنی مگر در دل او دو نور است، نور ترس و نور امید (کلینی، ۱۳۸۸ ق: ۶۷).

امیدواری به ظهور با رویکردهای آینده نگر، ایمان به پیروزی حق، مبارزه با ظلم و امید به تغییر است. شخص منتظر، فراخوان می زند و برای تغییرات اجتماعی برنامه ریزی دارد، از هم نوعان دعوت می کند تا با همکاری و همفکری برای تغییر در جامعه، حرکتی رو به جلو بردارند، چون باور دارد این حرکت جمعی منجر به تحوّل بزرگ می شود. با شناخت منجی و رویکرد بصیرتی به ظهور، اّمت اسلام، احساس نیاز به ولی خدا را بیشتر درک نموده، شوق دیدارش خواب و استراحت را از مردم می گیرد و هراتفاق سخت را نیز جلوه ای از ظهور می دانند. مطالعه تاریخ پیامبران و اهل بیت (ع) نشان داده است که یکی از مباحث عمیق و فلسفی در ادبیات دینی و عرفانی، همراهی عشق با ابتلا برای تقویت ایمان است. عشق انسان به خدا و اولیای الهی، نیاز به تمرین صبر، فداکاری و ایثار دارد. نمونه آن مقاومت مردم غزه و لبنان است که دشمن جان شصت هزار انسان را گرفت ولی نتوانست روح امیدواری را در مردم منتظر منجی کم رنگ سازد.

ایمان و عشق به خدا، سختی‌ها را آسان می‌کند.

۵. دلتنگی و حسرت در شعر انتظار

جاده می‌پیچد به خود کز دشت گردی برنخاست ناله‌ای حتی ز باد هرزه‌گردی برنخاست
(مجاهدی، ۱۳۹۰: ۷۱)

حسرت و دلتنگی مجاهدی در زمانی است که احساس می‌کند اسیر دنیا و تعلقات است و کلامش بر مخاطب اثرگذار نیست «بارالها! اگر اندوهگین شوم تو سامان منی و اگر محروم گردم تو امیدگاه منی و اگر سخت غمناک شوم از تو فریادرسی خواهم» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۷۵). دلتنگی شاعر در واژگان (پیچیدن، گرد، جاده، ناله، باد هرزه‌گرد) مشهود است. آرزوی نزدیکی شاعر به حضرت، با بیان دردهایش از دوری و سختی‌هایی که از این جدایی به وجود آمد، توأم است.

غصه شاعر از نعمت‌ها و محبت‌هایی که با نبودن یار از دست داده، جراحت سنگینی بر قلب او گذاشته است. دلتنگی جدایی از یار و حسرت خوردن در غم دوری او جایگاه و مفهوم بلندی در ادبیات غنایی دارد. مجاهدی از آقای دولابی در باره حزن و اندوه انسان با ایمان پرسیدند، ایشان فرمودند:

غم یعنی انتظار، علاج این غم، ظهور وجه الله است، ملاقات وجه الله را می‌خواهد (مجاهدی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۵۱).

نتیجه‌گیری

محمدعلی مجاهدی، شاعر آئینی ولایت‌مدار، با ارادت خاصی که نسبت به پیامبر گرامی اسلام ﷺ، چهارده معصوم پاک، امامزادگان، اولیاءالله و شهدا دارد، در تمام موضوعات ذکر شده شعر سروده است. او در اثر همنشینی با بزرگان، راه سلوک پیش گرفت و هنر خود را در خدمت ادبیات آئینی و تبیین نسل نو قرار داد. مجاهدی در تمامی قالب‌های کلاسیک شعر سروده است. اشعار مهدوی او با رویکرد انتظار، دارای محتوای فلسفی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی است. او با استناد بر آیات و روایات، به علت نیاز انسان به ولی خدا، با تمثیل به روشنگری مخاطب می‌پردازد. رسالت هنری او در روشنگری به شیوه تولّو و تبرّا است. مجاهدی در اشعار خود به عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی توجه دارد و به عقیده او انسان بر حسب هدایت تشریعی با کمک

بازتاب

واسطه‌های فیض الهی می‌تواند خود را به صفات الهی بیاراید و با تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام، دنیا و آخرت خود را نورانی کند. اشعار مهدوی مجاهدی به نوعی فرهنگ‌سازی برای انتظار منجی است. او با زبان اعتراض، در مقابل بدخواهان اهل هنر، ایستاد. مجاهدی در اشعار مهدوی مخاطب را دعوت به توسل و توکل می‌نماید و از او می‌خواهد برای دردهای روحی و جسمی به اهل بیت علیهم‌السلام پناه برد و در مشاهد شریف و مسجد مقدس جمکران، دست‌های انابت را به التجا و استغاثه بلند کند. او با زبان ساده بر مخاطب اثر می‌گذارد و دلتنگی خود را از غم جدایی حضرت حجة الله ابراز می‌کند. او پرورش دهنده شاعران ولایی و پژوهشگری اندیشمند در ادبیات آئینی است.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۴ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. ترجمه منصور پهلوان. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون الاخبار الرضا*. تصحیح مهدی لاجوردی. بی‌جا: مؤسسه الاعلمی.
- برقعی، سید حمیدرضا؛ زمانی، محمد جواد (۱۳۹۱). *آزمون سرخ*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیات، رضا (۱۳۹۹). *عرشه شعر*. تهران: انتشارات محمل.
- ثقفی، محمد رضا (۱۳۹۳). *درسنامه مهدویت (مهدی موعود)*. قم: انتشارات حوزه علمیه.
- دارابی، شکوفه (۱۴۰۰). «بررسی مفهوم انتظار و وظایف منتظران در شعر شاعران انقلاب». *پژوهش‌های مهدوی*، سال نهم، شماره ۳۶.
- رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۱). *صحیفه سجادیه*. قم: انتشارات گاه سحر.
- رحمانی همدانی، احمد (۱۳۹۰). *فاطمه زهرا علیها‌السلام سرور دل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*. ترجمه مهدی

- جعفری. تهران: انتشارات منیر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). *معانی و بیان*. تهران: انتشارات میترا.
 - شمیسا، سیروس (۱۳۹۵). *سبک شناسی*. تهران: انتشارات میترا.
 - طهماسبی بلداجی، اصغر، مرادی، فاطمه (۱۳۹۳). «قرآن و سبک زندگی مهدوی». *فصلنامه بینات*، شماره ۸۲ و ۸۳.
 - عزیزی، زینب (۱۳۹۹). «کارکردهای اخلاقی و اجتماعی جامعه منتظر از دیدگاه آیه الله خامنه ای». *موعود پژوهی*، سال دوم، شماره ۳.
 - علوی، ریحانه سادات (۱۴۰۱). «تحلیلی بر انتظار و وظایف منتظران در عصر غیبت». *پژوهش نامه موعود*، سال چهارم، شماره ۷.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ق). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره ای. قم: انتشارات اسوه.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۵). *در محضر لاهوتیان*. قم: انتشارات لاهوتیان.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۶۹). *خوشه های طلایی*. قم: انتشارات جمکران.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۱). *سیری در ملکوت*. قم: انتشارات اسوه.
 - مجاهدی، محمدعلی (۱۳۸۳). *آسمانی ها*. قم: انتشارات نصایح.
 - مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه
 - محمد زمانی، جواد؛ برقعی، حمیدرضا (۱۳۹۱). *سوختن آفتاب*. گزیده شعر ولایی شاعران جوان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *انسان کامل*. قم: انتشارات صدرا.
 - نوری، میرزا حسین (۱۳۸۴). *نجم الثاقب در احوال امام الغائب*. قم: انتشارات جمکران.
 - هادی زاده، مجید (۱۳۸۵). *آب حیات*. قم: انتشارات المهدی.

- یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). الزام الناصب فی الباب الحجه الغائب. تصحیح علی
عاشور. قم: مؤسسه الاعلمی.